تخصیص دادن [ˈæləkeit] v تخصیص دادن

اختصاص چیزی به معنای کنار گذاشتن آن برای هدف یا شخص خاصی است.

100 دولت 100 میلیون دلار برای کمک به تلاش برای کمک به بلایا اختصاص داد.

اشتها آور

اشتها آور [itapitaiziŋ] adj. اشتها آور

وقتی غذا اشتها آور است ، بسیار زیبا و بوی خوبی دارد.

plate ظرف اشتها آور کوکی ها در عرض نیم ساعت از بین رفت.

کولاک

کولاک [izblizərd] n. کولاک

کولاک طوفان شدید برف همراه با وزش باد شدید است.

→ در جریان کولاک وحشتناک جرات نکردیم بیرون برویم.

حفره

cavity [ækævəti] n حفره

حفره سوراخ یا فضایی در چیزی است.

→ حفره کوچکی در دیواره غار محل زندگی یک حیوان وجود داشت.

در جهت عقربه های ساعت

در جهت عقربه های ساعت [ˈklɒkwaiz] adv. در جهت عقربه های ساعت

اگر چیزی در جهت عقربه های ساعت حرکت کند ، در همان دایره همان جهت ساعت حرکت می کند.

the پیچ را در جهت عقربه های ساعت بچرخانید تا محکم شود.

متحدالمرکز

هم مرکز [kənˈsentrik] adj. متحدالمرکز

وقتی دایره ها یا حلقه ها متحدالمرکز باشند ، مرکز آنها یکسان است.

→ هدف یک سری دایره های متحدالمرکز بود.

حسن نیت

حسن نیت ارائه می دهد [ˈkɔːrtəsi] n. حسن نیت

حسن نیت ارائه می شود تعالی آداب یا رفتار اجتماعی است.

→ جنا همیشه وقتی مردم به خانه او مراجعه می کنند با حسن نیت ادب رفتار می کند.

ترد

crisp [krisp] adj. ترد

وقتی غذا ترد است ، به سختی یا سطح سختی دارد به گونه ای که دلپذیر باشد.

sn میان وعده مورد علاقه من کیسه ای از چیپس سیب زمینی ترد و خوشمزه است.

اختلاف

discord [ˈdiskɔːrd] n اختلاف

اختلاف ، اختلاف یا درگیری بین مردم است.

much اختلاف زیادی بین کارشناسان برنامه گفتگو وجود داشت.

یخ زده

frigid [ʒfridʒid] adj. یخ زده

وقتی چیزی یخ زده است ، بسیار سرد است.

→ ما تصمیم گرفتیم که به پیاده روی نرویم زیرا هوا بیش از حد سرد است.

تولید می کنند

تولید کردن [ˈdʒenəreit] v تولید کردن

تولید چیزی به معنای ایجاد یا شروع آن است.

→ شهردار قول داد شغل ها و برنامه های جدیدی برای کمک به فقرا ایجاد کند.

یخبندان

glacial [ˈgleiʃəl] adj. یخبندان

وقتی چیزی یخبندان است ، مربوط به انبوه یخ است که به آرامی حرکت می کند.

→ پنگوئن ها در مناطق یخبندان قطب جنوب رونق می گیرند.

مبادله

interchange [ˌintərˈtʃeindʒ] n. مبادله

تبادل نظر بین افراد بحث در مورد ایده هر شخص است.

an بین گروه ها تبادل نظر وجود داشت.

کمد

Locker [ˈlɒkər] n. کمد

کمد یک کابینت کوچک با قفل است که افراد وسایل خود را در آن ذخیره می کنند.

books من کتاب های مدرسه ام را در کمد خود نگه می دارم.

چند فرهنگی

چند فرهنگی [ˌmʌltiˈkʌltʃərəl] adj. چند فرهنگی

وقتی چیزی چند فرهنگی است ، به فرهنگهای مختلفی مربوط می شود.

→ از همه برای حضور در جشن چندفرهنگی استقبال شد.

حذف

omission [ouˈmiʃən] n. حذف

حذف چیزی است که کنار گذاشته شده یا انجام نشده است.

→ مایک به دلیل حذف نام خود در طول مراسم ناراحت شد.

نظارت کنید

سرپرستی [ˌouvərˈsiː] v

نظارت بر کاری به معنای اطمینان از صحت انجام آن است.

job وظیفه وی نظارت بر پیشرفت پروژه ساخت و ساز بود.

سوراخ کردن

pierce [piərs] v سوراخ کردن

سوراخ کردن چیزی به معنای ایجاد سوراخ در آن با استفاده از یک جسم تیز است.

arrow پیکان هدف را در مرکز آن سوراخ کرد.

تکثیر

replicate [əˌrepləˌkeit] v تکرار کردن

تکرار کاری انجام این کار دقیقاً به همان روش قبلی است.

→ من دوست دارم دستاوردهای پدرم را در مدرسه تکرار کنم.

موج دار

موج دار [ˈweivi] adj. موج دار

وقتی چیزی موج دار است ، مستقیم نیست اما یک سری منحنی دارد.

→ کودک در سرتاسر کاغذ خطوط موج دار کشیده است.

انتخاب ویرایشگر

سردبیر روزنامه پشت میز او نشست و به مکان نما چشمک زن روی صفحه رایانه اش خیره شد. او نمی دانست آیا باید مقاله ای را که به تازگی نوشته بود حذف کند یا ادامه دهد و آن را منتشر کند. او ترسیده و پر از تردید شده بود.

امپراتوری قانون جدیدی تصویب کرده بود مبنی بر اینکه شهروندان فقط می توانند از زبان شاهنشاهی استفاده کنند. سردبیر با این قانون مخالف بود و تصمیم گرفت مقاله ای درباره دلیل اشتباه آن بنویسد. وی احساس کرد که این قانون جدید افراد با ملیت های مختلف و نژادهای نژادی و قومی را مستثنی کرده است. او از نزدیک دانست که مسلط نبودن به زبان شاهنشاهی چه حسی دارد زیرا او از یک قسمت دور افتاده از امپراتوری بود.

او احساس کرد که این امپراتوری نباید تک زبانه باشد و باید فراگیرتر باشد. با این حال او می ترسید که به دلیل داشتن این باور به دردسر بیفتد. بسیاری می گویند او یک وطن پرست نبود - که او امپراتوری را دوست نداشت. اما او نمی خواست اقتدار امپراتوری را تضعیف کند. او می خواست استدلال کند که اگر امپراتوری افراد با فرهنگ و اعتقادات مختلف را بپذیرد ، می تواند قویتر باشد.

سرانجام ، او تصمیم گرفت که ترسویی را کنار بگذارد و در مورد احساس خود جدی باشد. او مقاله را نوشت. بی ادبانه یا عصبانی نبود ، بلکه بسیار جدی و باهوش بود. روز بعد در همه مقالات منتشر شد.

همه تحت تأثیر درایت او قرار گرفتند و با ایده های خود همبستگی نشان دادند. او انتظار داشت هر روز دستگیر شود ، اما پلیس هرگز نیامد. در کمال تعجب ، او به جای پیگرد قانونی ، قهرمان شد. قانونگذار قانون را تغییر داد و افرادی از بسیاری از زبان های زبانی او را تحسین کردند.

بعداً سردبیر نوشت: "هرگز از صدا پیشگی نترس." "اگر فکر می کنید مشکلی اشتباه است ، پس برای آنچه اعتقاد دارید ایستادگی کنید."